

اهمیت نظم و انضباط^۱

کلیدواژه ها:

نظم و انضباط، وقت شناسی، امام خمینی (ره)، رعایت حقوق همسر، نماز اول وقت، عمل به دستورات قرآن، دانشگاه امام صادق (ع)، رعایت مقررات دانشگاه، غیردولتی بودن دانشگاه، عدم تقلید به رعایت دستورالعمل های وزارت علوم، شهید بهشتی (ره)، اردو دانشجویی، عمره دانشجویی، امانت داری، عمل به تعهدات، آداب مسجد، آیت‌الله خامنه‌ای، فضایل اخلاقی، رذایل اخلاقی، تفاوت استثنای و ایثار.

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين. الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله. الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولايه مولانا امير المؤمنين عليه السلام والأئمة المعصومين عليهم السلام والصلاه والسلام على سيدنا ونبينا وحبیب قلوبنا و طیب نفوسنا و شفیع ذنوبنا أبي القاسم محمد و علي أهل بيته الطيبين الطاهرين، لا سيما بقیه الله في الأرضین حجه بن الحسن المهدي عليه السلام. اللهم اجعلنا من انصاره و اعوانه و شيعته و انصر من نصره.

رُوی عن رسول الله صلى عليه وآله وسلم: «إتي بعثت لأتمم مكارم الأخلاق»^۲.

قبل از اینکه وارد بحث بشوم، دو تذکر را یادآوری می‌کنم؛ تذکر اول این که در یک زندگی اجتماعی آنچه که مهم است، نظم و انضباط است. مولا امیرالمؤمنین علیه السلام در شب شهادت خود، وصیت کردند. ظاهراً در شب شهادتشان، ۲۲ فقره وصیت دارند که آن وصیت‌ها در نهج‌البلاغه آمده است. به فرزندان و محبانشان و به تمامی کسانی که این وصیت حضرت به آنها می‌رسد که آیندگان باشند و ما را هم در برمی‌گیرد، فرمودند «أوصيكم بتقوى الله و نظم أمرکم»^۳. اول تقوا را فرمودند و بعد توصیه به نظم کردند. لذا انضباط داشته باشید؛ عالم، عالم نظم است؛ اصلاً یکی از دلایل ما برای اثبات توحید خداوند، نظم عالم است. ما هم در این عالم وجود، باید در همه‌ی کارها منظم باشیم. به خصوص در کارهای علمی و دانشگاهی که باید ما برای دیگران الگو باشیم و از ما یاد بگیرند. بنابراین شما دانشجویان جدید ورود دانشگاه امام صادق علیه السلام، ساعات درس، ساعات مطالعه، ساعات استراحت، ساعات نماز و ساعات غذا، همه‌ی این‌ها را منظم کنید. اگر

^۱ مجله پیام صادق، شماره ۹۰-۸۸، آذر ۱۳۹۱-اردیبهشت ۱۳۹۲، صص ۶-۲

^۲ بحارالنوار، ج ۱۶، ص ۲۱۰

^۳ نهج البلاغه، نامه ۴۷

بخواهید در زندگی موفق باشید، باید اوقاتتان را برای کارهایی که لازم است انجام بدهید، تقسیم کنید. در روایات آمده است که اوقات زندگانی شبانه روز خود را چهار قسمت کنید؛ قسمتی را برای عبادات، قسمتی را از برای استراحت، قسمتی را از برای کارهای لازم - که برای شما دانشجویان تحصیل است - و قسمتی را هم برای دیدن دوستان و کمک کردن به آنها قرار دهید. علی ای حال این چهار قسمت باید باشد؛ هم استراحت لازم است، هم کار لازم است، هم عبادات لازم است و همه اینها باید ساعت داشته باشد.

امام خمینی (ره) جامع بین اضداد بودند.

یکی از امتیازات و از اسرار موفقیت امام راحل رحمت الله علیه این بود که در کارهایشان نظم داشتند؛ ایشان برای صبحانه خوردن ساعت داشتند، برای مطالعه کردن ساعت داشتند، برای درسشان ساعت داشتند، برای آمدن به مدرسه ساعت داشتند، برای انجام تمام این کارها حتی تا آخر عمر شریفشان زمان مشخصی داشتند. بعد از انقلاب وقتی ما می‌رفتیم خدمت امام رحمت الله علیه می‌گفتند امام در داخل منزل از ساعت ۷ می‌روند توی حیاطشان ورزش می‌کنند؛ ساعت ۷:۳۰ می‌روند به اتاقشان و مقید هم بودند که صبحانه را با هم سرشان بخورند.

اکثر شما در حال حاضر هم سر ندارید ولی این شاء الله هم سردار که شدید، حقوق هم سر را رعایت کنید؛ نگویید که من مثلاً درس می‌خوانم و من کار دارم. باید آنها را هم در زندگی‌تان به حساب بیاورید که آنها هم شریک زندگی شما هستند. امام رحمت الله علیه تا آخر عمرشان به این مسائل دقت داشتند. حتی بچه‌ها و صبیبه‌هایشان نقل می‌کنند که گاهی که ما در داخل منزل امام رحمت الله علیه دور هم جمع بودیم، ایشان تا همسرشان نمی‌آمدند، غذا نمی‌خوردند. می‌گفتند حاج خانم کجاست، ایشان بیایند و تا نیایند ما هم نمی‌خوریم. این همان امامی است که اهل جنگ و اهل مبارزه است. آدم‌های اهل جنگ خیلی احساساتی نیستند، عواطفشان ضعیف است؛ ولی امام رحمت الله علیه جامع بین اضداد بودند. در عین حال که مرد جنگ بودند و می‌فرمودند ما مرد جنگیم ولی خیلی عاطفی بودند. وقتی من گاهی برای ایشان، قصه‌های جنگ و ناراحتی‌های مردم را نقل می‌کردم، امام رحمت الله علیه همین طور اشک می‌ریختند و شانهایشان می‌لرزید. امام هم مرد جنگ بودند، هم شجاع بودند، هم عاطفی بودند، هم نظم داشتند و هم رعایت حال خانواده را می‌کردند. علی ای حال بلافاصله بعد از ساعت ۸، از آیفون، آقای رسولی را که امور مالی و سهم امام دستشان بود، صدا می‌کردند که شما الان داخل بیایید. از ساعت ۸:۳۰ به بعد ملاقات‌های امام رحمت الله علیه شروع می‌شد. یعنی امام رحمت الله علیه این طوری منظم بودند و آدم همین طوری به جایی نمی‌رسد.

^۴ صبیبه به معنای دختر است.

تمام این خصوصیات زندگی را ایشان داشتند. هیچ وقت نمازشان از اول وقت به تأخیر نمی‌افتاد. نقل کرده‌اند که امام رحمت الله علیه در روزهایی که در بیمارستان بودند، گاهی بی‌هوش بودند و گاهی اصلاً حال نداشتند، به همراه خود گفته بودند که مرا برای نماز، ساعت مثلاً ۱۲ ظهر بیدار کنید. بعد آن آقا دیده بود امام رحمت الله علیه مثلاً حالشان بد است یا خوابیده‌اند یا بی‌هوش هستند، صدایشان زده بود. در آن روز امام رحمت الله علیه وقتی به هوش می‌آیند می‌پرسند ساعت چند است؟ گفت یک ربع از ۱۲ گذشته است. ایشان ناراحت شدند و فرمودند «من در تمام مدت عمرم، نمازم را از اول وقت به تأخیر نینداختم. مگر اینکه عذری مثلاً پیدا بشود و إلا نمازم را اول وقت می‌خوانم». خلاصه شما دانشجویان که می‌خواهید از طرفداران امام رحمت الله علیه و بسیجی باشید، باید از ایشان الگو بگیرید؛ فقط به شعار اکتفا نکنید.

رعایت نظم در امور مختلف زندگی، مسئله‌ی مهمی است. من یادم هست در قم که خدمت امام رحمت الله علیه می‌رفتیم - البته ما در آن زمان، کلاس‌هایمان در مساجد بود، مساجد هم فقط بعضی‌هایش زیلو یا فرش داشت، بعضی حتی همین زیلو را هم نداشت و حصیر بود، روی آن زیلوه می‌نشستیم. تابستان‌ها کولر نداشت پنکه هم نداشت. زمستان‌ها هم بخاری نداشت. روزها چراغ نداشت و تنها شب‌ها آن را روشن می‌کردند. امام غالباً زودتر از ما می‌آمدند و منتظر می‌شدند که طلبه‌ها بیایند. بالاخره دقت کنید؛ وقت را رعایت کنید و منظم باشید. این نکته اول بود که عرض کردم.

عمل به دستورات قرآن

نکته دوم در مورد عمل به قرآن است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در ادامه فرمودند: «اللّٰهُ اللهُ فِي الْقُرْآنِ. لَا يَسْبِقُنْكُمْ بِالْعَمَلِ بِغَيْرِكُمْ»^۵ الله یعنی حواستان جمع باشد و از خدا بترسید. درباره قرآن از خدا بترسید، مبادا دیگران در عمل کردن به قرآن، از شما جلو بیفتند و شماها عقب بمانید.

به مناسبت این مقدمه، می‌خواهم خدمتتان عرض کنم که دانشگاه امام صادق علیه السلام یک مقرراتی دارد که این مقررات، مصوب دانشگاه است. ممکن است بعضی‌هایش مصوب وزارت علوم نباشد و یا بعضی دیگر از این مقررات مذکور، مصوب بعضی از نهادهای محترم و مقدس مثل بسیج نباشد. ما یک دانشگاه دولتی نیستیم. دانشگاه امام صادق علیه السلام، یک دانشگاه غیردولتی است؛ بنابراین تقید نداریم هر چیزی که وزارت علوم بگوید ما به آن چیز عمل کنیم. البته به آن دستورهایی که مفید باشد عمل می‌کنیم. اما اگر بعضی از دستورها محدود کننده باشد و ما را از هدف باز بدارد، ما به آن دستورها گوش نمی‌دهیم. از اول هم گفتیم و تقیدی به این نداریم. بنابراین ما یک آیین‌نامه‌هایی داریم که البته بعدها در بخشی از این آیین‌نامه‌ها مراعات کردیم

^۵ نهج البلاغه، نامه ۴۷

و حذف کردیم. در سال‌های اول تأسیس دانشگاه، ما در هر ترم تحصیلی، فقط به اندازه‌ی یک هجدهم اجازه تعطیلی می‌دادیم. حالا بعد که خیلی فشار آوردند سه شانزدهم هم شد. این سه شانزدهم باز هم معنایش این نیست که شما یک حقی دارید برای اینکه تعطیل کرده و در کلاس حضور پیدا نکنید. بعضی‌ها خیال می‌کنند یک حق است و روزهای آخر ترم می‌گویند ما سه شانزدهم را استفاده نکردیم. این طور چیزی نیست؛ این یک اجازه‌ای است برای موارد ضروری که اگر خدای ناکرده شما تصادفی کردید یا مریض شدید یا در خانواده مریضی دارید و امثال ذلک؛ این عذری باشد برای عدم حضورتان در کلاس. نه اینکه شما مریض نباشید، بگویید می‌روم بخوابم و تا سه شانزدهم که حق غیبت کردن دارم. نه، شما چنین حقی ندارید.

ما در قبال مخارجی که برای تحصیل و تربیت شما می‌کنیم یک سری شرایطی داریم که شما باید رعایت کنید. نه تنها شما بلکه هر انسانی که در زندگی هدف دارد، باید این مسائل را در نظر بگیرد. بعضی می‌گویند ایرانی و مسلمان که ساعت نمی‌شناسد، این چیزها برای اروپایی هاست! نه این طور نیست؛ در دینی که همه چیز آن بر اساس ساعت است؛ نمازش، عبادتش، روزه‌اش، خمسش، زکاتش، حجش، همه‌اش بر اساس مقدار است، در چنین دینی، ما باید وقت شناس باشیم. مسلمان کارش حساب و کتاب دارد و همین طوری نیست. علی‌ای حال برادران عزیز، رعایت مقررات یکی از مسائل مهم برای پیشرفت شما و برای آینده شما است.

خاطره‌ای از مرحوم شهید بهشتی (ره)

خاطره‌ای از مرحوم شهید بهشتی رحمت الله علیه برای شما بگویم. بیخود کسی شهید بهشتی رحمت الله علیه نمی‌شود. قبل از انقلاب، گاهی جلسات جامعه‌ی روحانیت در منزل ایشان تشکیل می‌شد. قرار می‌گذاشتیم مثلاً ساعت ۷ صبح برویم خدمت ایشان و جلسه برقرار بشود. می‌آمدیم ۵ دقیقه به ۷ در می‌زدیم. در را باز نمی‌کردند؛ آقازاده ایشان می‌آمد می‌گفت آقا فرمودند من ۷ با شما قرار دارم نه ۵ دقیقه به ۷. من خودم کار دارم لذا ساعت ۷ می‌آیم. وقتی ۷ می‌شد در را باز می‌کردند. بعد هم ساعت ۸ که می‌شد ایشان می‌گفتند وقت تمام شد. می‌گفتیم اما بحث تمام نشده است. پاسخ می‌دادند: قرار ما ۷ تا ۸ بوده. من کار دیگر دارم. من زندگی‌ام حساب و کتاب دارد. لذا تعطیل می‌کردند و می‌رفتند.

یادم هست که ایشان وقتی در قوه قضائیه بودند؛ بحث‌های مهمی از مسائل امنیتی در آنجا تشکیل می‌شد. همه مسئولین امنیتی کشور از وزیر کشور گرفته تا سپاه و ارتش و دیگران و بسیج و ... بعضی قضات و بعضی دیگر از مسئولان کشور مانند رئیس‌جمهور یا نخست‌وزیر بودند. یک ربع به ظهر که می‌شد مرحوم شهید بهشتی رحمت الله علیه بلند می‌شدند. می‌گفتیم آقا بحث تمام نشده، پاسخ می‌دادند از حالا به بعد از خداست، من باید بروم وضو بگیرم و نماز بخوانم». هر چه به ایشان اصرار می‌شد که بحث مهم است و نروند، می‌گفتند نماز بخوانیم، بعد از نماز ادامه می‌دهیم؛ ولی موقع نماز من بحث نمی‌کنم چرا که پیغمبر صلی الله علیه و

آله و سلم هم نمی‌کرد. بنابراین کسانی که در زندگی توفیق پیدا می‌کردند، یک حساب و کتابی در زندگی داشتند.

لزوم رعایت آیین‌نامه‌های دانشگاه

دانشگاه یک آیین‌نامه‌هایی دارد که باید رعایت شود. تعطیل کردن کلاس‌ها بدون هیچ دلیل موجهی جایز نیست. شما گاهی می‌خواهید اردو بروید، اردویی که در دانشگاه، بدون اجازه رئیس دانشگاه یا مسئولان دانشگاه باشد، این اردو به نظر ما درست نیست؛ البته این خوب است که بچه‌ها اردو بروند. زیارت بروند، اردوی جنوب بروند، همه جا بروند؛ اما هر چیزی یک وقتی دارد. بنده معتقدم چه در مدرسه مروی و چه در اینجا هر کجا که زیر نظر من است، باید تمام کارها وقت مشخصی داشته باشد. من در زمان تحصیل، انجام زیارت مستحبی را اجازه نمی‌دهم. بله انجام حج واجب فرق می‌کند؛ اگر کسی بخواهد حج واجب برود، ما نمی‌توانیم بگوییم نرو؛ اما اگر کسی می‌خواهد عمره برود، و بنده شرکت در عمره‌ی دانشجویی در ایام درس و تحصیل را جایز نمی‌دانم و بر دانشجویی ما حرام است، بدون اجازه ما برود این کارها را بکند؛ البته نه اینکه عمره دانشجویی حرام باشد اما شما به ما تعهد داده‌اید و باید به عهد خود وفا کنید. برگزارکنندگان حج عمره دانشجویی زمان آن را به ایام تعطیلی درس بیندازند.

اردو خوب است، زیارت خوب است، اردوی جنوب بسیج خوب است اما به شرطی که در زمان خودش برگزار شود. دانشجویی که تازه دو هفته از ورودش به دانشگاه نگذشته است را می‌خواهند به اردو ببرند، او هنوز دانشگاه را نفهمیده کجاست، در چنین موقعیتی، بردن به اردو معنا ندارد. مگر آن‌هایی که ملا شدند و درس خواندند یا بسیجی شدند همین‌طور بوده که بروند مسافرت؟ هر چیزی یک حسابی دارد؛ این بی‌حسابی‌ها درست نیست؛ یکی از مشکلات مملکت ما، از بی‌حسابی است. هر کسی بر طبق سلیقه‌ی خودش عمل می‌کند؛ قصد قربت هم دارد و با قصد قربت تخلف می‌کند، این جایز نیست.

هر چیزی حساب و کتابی دارد و ما بر اساس حساب و کتاب رفتار می‌کنیم. اگر دانشجویی بی‌حساب رفت، ما برایش غیبت می‌نویسیم. استاد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام نیز حق ندارد نسبت به حضور دانشجویان در کلاس، بی‌تفاوت باشد. شاید بعضی از دانشجویان از این نوع ارفاق اساتید خوششان بیاید و بگویند آدم خوبی است؛ اما این نوع بی‌مسئولیتی‌ها، خیانت است؛ چه آدم خوبی است؟ آیا بدون اجازه و دستور، پول بیت‌المال و وقت را مصرف کردن، می‌تواند کار خوبی باشد؟ انسان باید رعایت مقررات را جدی بگیرد. اگر شما از همین حالا عادت کنید که بر طبق مقررات عمل کنید، بعداً هم هر جا باشید مقرراتی می‌شوید.

بنده گاهی دیده‌ام که بعضی از دوستان و شاگردانمان، وسط جلسه سرشان را پایین می‌اندازند و از جلسه بیرون می‌روند. می‌گوییم آقا چرا می‌روی؟ مثلاً پاسخ می‌دهد باید بروم سر کار. مگر دانشگاه از بیکارهاست؟ کار شما همین است که درس بخوانی. این ساعت چطور کار داری؟ آن هم بی‌اجازه! بچه‌ی کلاس اول، لااقل دستش را بلند می‌کند و اجازه می‌گیرد؛ ولی دانشجو با مقام علمایی! که دارد، همین طوری رها می‌کند و می‌رود! آخر میکده حمام نیست؛ در حمام هم، از صاحب حمام اجازه می‌گیرند. همین طوری که نمی‌شود. برادران عزیز، این نکات ممکن است قدری برای شما ناگوار باشد ولی به نظر من، خیلی مهم است که این نکات را رعایت کنید، واقعاً بد است و جای خجالت دارد که کراهی‌ها بیایند و در ورزشگاه‌های ما، کیسه دستشان بگیرند و آشغال‌ها را جمع کنند ولی ایرانی‌ها نه تنها آشغال‌ها را می‌ریزند بلکه گاهی بمب هم داخل صحنه می‌اندازند. من این را در تلویزیون دیدم. واقعاً این مملکت داری نمی‌شود؛ حالا دو گروه دارند با هم مسابقه می‌دهند، با یکی موافقی و با یکی مخالف؛ این کارها یعنی چه؟

در یک محیطی قرار گرفتن خود تعهد می‌آورد.

علی‌ای حال، برادران عزیز، رعایت نظم و انضباط مورد پسند همه‌ی ملت‌هاست، یعنی شما به هر کشوری که سفر کنید و ملت آن، هر دین و هر نظامی که داشته باشند این را می‌پسندند و ما باید الگو باشیم. اینکه امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرمایند: «اللّٰهُ فِي الْقُرْآنِ لَا يَسْبِقُنْكُمْ بِالْعَمَلِ بِغَيْرِ كَمٍ»؛ دیگران عمل کنند و شما عقب بیفتید، همین است. رعایت نظم و ترتیب، رعایت وقت کردن، رعایت امانت کردن، رعایت تعهد کردن، این‌ها از ماست نه از خارجی‌ها. المؤمنون عند شروطهم. در سوره مؤمنون آمده است «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ... الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ»؛ مؤمنین آن‌هایی هستند که امانت داری می‌کنند. شما آمدید دانشگاه و متعهد شدید؛ بر فرض یک جایی هم ننوشته باشید. اصلاً خود آمدن و در محیط قرار گرفتن، یک نوع تعهد می‌آورد. شما وارد مسجد که می‌شوید، مسجد یک نوع تعهد داخلش هست. لازم نیست که در مسجد نوشته باشند مسجد را کثیف و نجس نکنید، صدایتان را در آن بلند نکنید، حق دیگران را تضییع نکنید؛ در مسجد اگر کسی قبل از شما در جایی نشست، شما حق ندارید بروید جای او را بگیرید ولو یک بچه باشد. مسجد خانه‌ی خدا و بیت ملت است. قرآن می‌گوید «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِنَاءَ مَبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ»؛^۶ اولین خانه‌ای که برای مردم ساخته شده خانه کعبه است. این مفهوم دارد، مساجد هم خانه‌ی خداست و هم خانه مردم است. به مجلس شورای اسلامی هم خانه ملت می‌گویند. بنده می‌گویم خانه‌ی ملت به این معنا نیست؛ شما برو مجلس، بگو من ملت، آنجا همین طوری راحت نمی‌دهند و می‌گویند کارتت کجاست؟ ولی در مسجد

^۶ سوره مبارکه مؤمنون، آیه ۸

^۷ سوره مبارکه آل عمران، آیه ۹۶

می خواهید بروید کسی نمی گوید آقا تشریف نیاورید. پس مساجد خانه‌ی واقعی ملت است. شما هر چه که باشی؛ باسواد، بی سواد، فقیر، پولدار، جوان، پیر و ... اگر بروی صف اول مسجد، کسی حق ندارد شما را بلند کند. «الحق لمن سبق» این دستور اسلام است؛ در محل‌های عمومی هر کسی که جلوتر رفته است، حق از اوست و کسی حق ندارد جلوی او را بگیرد. در زمان‌های قدیم که مثلاً در ماه رمضان برای نماز خواندن پشت سر یک امام جماعت مهم، جا نبود، بعضی‌ها بودند که برای دیگران مهر می گذاشتند و جا می گرفتند، همان محل اشکال بود. کسی حق ندارد مثلاً برای ۵ نفر دیگر هم جا بگیرد، حالا یا از روی رفاقت یا بعضی‌ها هم پول می گرفتند، می گفتند ما پول می گیریم یک ساعت قبل از ظهر مسجد می آییم و جا می گیریم. این کار جایز نیست. این‌ها دستور اسلام است که در عین حال که خیلی جالب و ساده است و نشانگر اهمیت رعایت حقوق مردم است، نشانگر رعایت تعهدات است. همه این‌ها را باید رعایت کرد؛ این تعهدات را باید عمل کنید. کسی حق ندارد از بیرون، به دانشگاه ما امری بکند. این دانشگاه برای خودش حدودی دارد، در عین حال که ما برای همه‌ی نهادهای انقلابی مان حق قائل هستیم ولی هر کدام جایگاه خودشان را دارد. من خون دل خوردم این دانشگاه را در دست کردم. مگر همین طور دانشگاه در دست می شود؟ با زحمت، با ریش سفیدی، با بودن با انقلاب و با از اول تا آخر در خط امام بودن، در دست شده است. همه این‌ها برای ما جزء مسلمات است؛ کسی نمی تواند به ما بگوید ما در خط امام رحمت الله علیه نیستیم، لذا آنکه به حرف من گوش نکند، در خط امام رحمت الله علیه نیست.

بنابراین باید رعایت این کارها را کرد. در عین حال که من برای همه نهادها و برای همه شما دانشجویان دانشگاه - که جزء فرزندان ما و جزء کسانی هستیم که در آینده باید انقلاب و مملکت را حفظ کنید - احترام قائل هستیم؛ ولی ما این مقررات را داریم و شما موظفید که رعایت کنید. بعضی کارهای خلاف می کنند. بعد که یک عده به زندان می افتند، به ما می گویند حاج آقا، فلانی افتاد زندان. به اجازه‌ی چه کسی رفتی که بنده بیایم ریش گرو بگذارم؟ اگر به اجازه من می رفتی، من عبايم را می فروشم، درباره‌ی شما فدا می کنم؛ اما چرا همین طوری رفتی؟ چرا تخلف می کنی؟ تخلف خوب نیست؛ رعایت کنید.

در روز اول، من این مطالب را به شما گفتم که حواستان جمع باشد، شماها اگر تعهد دادید به دانشگاه، باید به آن عمل کنید. در بین شما برادران دیگری هستند که سابق بر شما به دانشگاه آمده‌اند، آدم‌های خوبی هم هستند ولی برای خودشان ممکن است مقرراتی داشته باشند که با آنچه که بنده می گویم یا دانشگاه گفته است، مطابقت نداشته باشد. بنابراین شما گوش به آن‌ها ندهید. نگاه کنید ببینید دانشگاه آن کار را اجازه می دهد یا نمی دهد. در عین حال رعایت همه مسائل انقلاب لازم است و در جای خودش باید باشد. اگر مسائل انقلاب رعایت نشود، به درد نمی خورد اما باید هر چیزی جای خودش باشد. اما چنانچه کسی از بیرون

دانشگاه بخواهد بر دانشگاه حاکمیت پیدا بکند، بنده این را نمی‌پذیرم. مقام معظم رهبری مدظله العالی نیز همین را گفتند. بروید از ایشان پرسید، بگویید آقا ما بر خلاف نظر مهدوی کار بکنیم درست است یا نه؟ اگر راست می‌گویید بروید پرسید. اگر ایشان گفتند بله؛ حرف مهدوی را گوش نکنید، بنده می‌گویم چشم. آن وقت شما هم گوش نکنید؛ ولی فکر نمی‌کنم ایشان این طوری بگویند. ایشان حتی به برادران بسیجی گفتند خوشا به حال شما که زیر نظر آقای مهدوی دارید کار می‌کنید. پس مسائل را رعایت کنید.

فضایل و رذایل اخلاقی

دو تا نکته بگویم و بحث تمام است. دو تا نکته داریم که یکی مثبت است و یکی منفی؛ مسائل اخلاقی، همه‌اش همین طور است، جنبه‌های مثبت داریم که به آن فضیلت و جنبه‌های منفی داریم که به آن رذایل می‌گویند. چیزهای خوب و چیزهای بد. چیزهای خوب اصالتاً چیزهایی است که مربوط به روحیه انسان است، یعنی خوب‌هایی که مربوط به روح شماس است. شما مثلاً روحیه شجاعت دارید و آدم شجاعی هستید، روحیه جود و سخا دارید، روحیه گذشت دارید، این‌ها مسائل فضیلتی است. برعکس هم هست؛ آدمی که بخیل باشد، این آدم روحیه بدی دارد و رذیلت است.

تفاوت ایثار با استثنائات

در هر جلسه درس اخلاق، من سعی می‌کنم یک فضیلت و یک رذیلت را به طور فهرست وار بیان کنم. علاوه بر بحث‌های مبنایی که در اخلاق داریم، این دو تا، یکی ایثار است و یکی استثنائات. ایثار یعنی از خود گذشتن، دیگران را بر خود مقدم داشتن؛ این ایثار است. این یک صفت بسیار خوب است که انسان همیشه در زندگی، دیگران را بر خودش مقدم بدارد. قرآن هم می‌فرماید: «و یؤثرون علی أنفسهم و لو کان بهم خصاصة»^۹ مؤمنین که منظور انصار است، - انصاری که در مدینه بودند - به خودشان سخت می‌گرفتند و دیگران را بر خودشان مقدم می‌کردند، ولو اینکه یک چیزی مربوط به خودشان بود، باز ایثار می‌کردند. «خصاصة» یعنی هر چیزی که از خودشان بود؛ غذای امروز ظهرشان بود این، خصاصة است، لباس که باید خودش بپوشد، دو تا نداشته همین یکی بوده، این را خصاصة گویند. وقتی می‌بیند یک برادر مؤمنش در یک حالی قرار گرفته که از گرسنگی از بین می‌رود، می‌گوید غذای من را به او بدهید، لباس من را هم به او بدهید. این ایثار است و صفت بسیار خوبی است. البته اصل این صفت به طور کلی خوب است و در بعضی جاها ممکن است خوب نباشد که در جای خودش توضیح خواهیم داد.

^۹ سوره مبارکه حشر، آیه ۹

صفت دوم، استثنای یا استیثار به معنای انحصار طلبی است. یعنی همه چیز را برای خودم می‌خواهم. این صفت، بد و ناپسند است. یک عده‌ای هستند که همه چیز را برای خودشان می‌خواهند. حتی در حرم امام رضا علیه السلام، در قسمت بالا سر اصلی که مسجد است، خواندن دو رکعت نماز زیارت مستحب است. بعضی‌ها می‌روند آن جا را می‌گیرند، خیال می‌کنند شش دانگش از آن‌هاست و نوبت به بقیه نمی‌دهند. پس این انحصار طلبی در مسائل معنوی هم هست که آدم در مسائل معنوی هم بگوید شش دانگ بهشت را فقط من می‌خواهم. این کار خوبی نیست. در همان جا هم آدم باید گذشت داشته باشد. بنابراین در استثنای، آدم همه چیز، همه منافع و همه راحتی‌ها را برای خودش می‌خواهد. در خانه‌ها نگاه کنید، بعضی پدرها، بعضی برادرها و بعضی خواهرها، سر سفره که می‌نشینند فقط به فکر خودشان هستند؛ اگر غذای خوب آن طرف سفره هم هست می‌کشند می‌آورند جلو. نمی‌گویند بگذاریم دیگری هم از مرغ بخورد. اگر می‌خواهند حتی آب بخورند به دیگران می‌گویند آن لیوان آب را به من بده. خودشان هیچ کاری نمی‌کنند و همه‌ی راحتی‌ها را برای خودشان می‌خواهند. این صفت بدی است و بسیاری از مشکلاتی که در جامعه بشری پیدا شده از همین انحصار طلبی است. رانت خواری می‌کنند، منافع را از گوشه و کنار پیدا می‌کنند. از هر راه ممکن استفاده می‌کنند. حتی ممکن است به ظاهر قانونی باشد اما از راه قانونی انحصار می‌کنند که این جنس را فقط ما وارد کنیم؛ این کالا را فقط ما صادر کنیم؛ همه چیز مال ما باید باشد. این صفت، صفت انسانی و اسلامی نیست. برادران! اگر شما از خانه یک عدد سیب آورید یا برایتان فرستادند و رفیقتان سیب نخورده است، آن را به تنهایی نخورید. برای شما حالا انحصار طلبی همین‌هاست؛ چون شما که چیزی ندارید. همین که شما یک دانه سیب را می‌خواهی تنهایی بخوری وقتی می‌خوری که رفیقت نباشد، این صفت بد است. این سیب را تقسیم کن، بگو آقا دو قسمت می‌کنیم و با هم می‌خوریم. از حالا اگر یک سیب را تقسیم کردید، در آینده مسائل مهم‌تر را هم می‌توانید تقسیم کنید. این را می‌گویند مساوات. یعنی آدم، خیر و خوبی را با دیگران تقسیم بکند. این مساوات است که آدم برای دیگران هم حقی قائل باشد که دیگران هم آذینند. این‌ها صفات بسیار خوبی است. ان شاء الله شماها در مسائل خوبی و بدی، تمرین کنید.

این تمرین‌ها و تکراری که انجام می‌شود یا انسان را به بدی می‌رساند و یا به خوبی. به خوبی‌ها سخت است؛ چون انجام خوبی‌ها یک مقدار ریاضت می‌خواهد ولی انجام بدی‌ها آسان‌تر است. در خوبی‌ها انسان باید دندان روی جگر بگذارد که دیگران را هم برای خودش شریک کند؛ دیگران را رفیق بکند و حقی برای آن‌ها قائل باشد. اگر این طور شدید، حتی در درس خواندن هم ایثار می‌کنید، به رفیقتان کمک می‌کنید که او هم در درس خواندن عقب نیفتد. اما اگر به فکر خودتان باشید می‌گویید خودم می‌خواهم درس خوان باشم، چه کار دارم رفیقم عقب مانده یا نه ولی آنکه ایثار دارد می‌گوید ۱۰ دقیقه از وقتم را مصرف آن برادر بکنم، حالا او سر

کلاس نبوده یا وقت نداشته یا استعدادش از من کمتر است، خوب نمی تواند درس بخواند، من به او کمک بکنم. اینها ایثار است.

إن شاء الله در زندگی تان موفق باشید. خداوند به شما توفیق بدهد که هم نظم را رعایت کنید، هم تقوا را رعایت کنید، هم قوانین را رعایت کنید، هم ایثار داشته باشید و هم استئثار نداشته باشید.

و السلام علیکم و رحمت الله و برکاته.